

ائتلاف راهبردی چین و روسیه  
در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا  
و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: ۲۰۲۱-۲۰۰۹

طاهره نظامتی<sup>۱</sup>، گارینه کشیشیان سیرکی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

**چکیده:** ساختار نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی شکل تک‌قطبی به خود گرفت که مشخصه اصلی آن، اتخاذ رویکرد یک‌جانبه‌ی آمریکا به عنوان ابرقدرت حاکم بود. اما در طول دو دهه بعد از قرن ۲۱، روسیه و چین در جایگاه قدرت بزرگ موفق به رقابت و ایجاد چالش برای آمریکا شده‌اند. این روند رقابتی بر امنیت ملی کشورهای دیگر نیز تأثیرگذار بوده است. سوال اصلی پژوهش این است که ائتلاف روسیه و چین در مقابل یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده چه تأثیری بر امنیت ملی ایران در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۹ داشته است؟ به نظر می‌رسد ائتلاف راهبردی چین و روسیه در مقابل آمریکا بر مبنای رقابت و مهار هژمونی واشنگتن در راستای تقویت امنیت ملی ایران بوده است. نتایج نشان می‌دهد که ائتلاف چین و روسیه علیه آمریکا امنیت ملی ایران را در بعد سیاسی تأکید ایران بر نقش سازمان ملل، عضویت ایران در سازمان شانگهای، جستجوی افق‌های نو در بریکس؛ در بعد نظامی مقابله با تحریم‌های غرب و ارتقاء همکاری نظامی با چین و روسیه؛ در بعد اقتصادی ارتقاء همکاری اقتصادی، خرید نفت و گاز ایران و در بعد زیست محیطی همکاری دو طرف با ایران را، تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به موضوع پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی:** ائتلاف، یک‌جانبه‌گرایی، بازدارندگی، هژمونی، امنیت ملی ایران، چین و روسیه، ایالات متحده آمریکا.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

## مقدمه

سیاست خارجی آمریکا بعد از دهه ۱۹۹۰ م به عنوان ابرقدرت حاکم بر نظام بین‌الملل، بخش وسیعی از رویکردهای خود را مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی دنبال کرده است. در قالب این رویکرد، آمریکا سعی در اعمال سیاست‌های مد نظر خود به صورت یک‌جانبه در اقصی نقاط جهان داشته است که بیش از همه کشورهای رقیب همچون چین و روسیه را تحت تأثیر قرار داده است. نکته مشترک در رویکردهای بین‌المللی روسیه و چین، عدم رضایت آنها از سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا است. روسیه به عنوان وارث یک ابرقدرت موازنه‌گر در برابر آمریکا، از تمام امکانات خود برای بازیابی جایگاه گذشته بهره می‌برد. اوج استراتژی سیاست خارجی روسیه تحقق ابرقدرتی و مقابله با آمریکاست و در این راه همواره سیاست پیوند با متحدان جدید و ائتلاف‌سازی را دنبال نموده است. چین نیز بعد از به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ سعی در موازنه با آمریکا در زمینه‌های اقتصادی و تجاری داشته است. به عبارتی، روسیه با تمرکز بر برنامه‌های نظامی و چین نیز با تداوم رشد اقتصادی خود تلاش می‌کنند معادله قدرت جهانی را تحت تأثیر قرار دهند.

ائتلاف راهبردی چین و روسیه در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در سطوح و بخش‌های مختلف از جمله همکاری اقتصادی تنگاتنگ، مناسبات انرژی، تعاملات نظامی-امنیتی، سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی نظیر سازمان شانگهای و بریکس، حکمرانی جهانی، تصمیم‌گیری نزدیک در برخورد با بحران‌های منطقه‌ای و ایجاد ساز و کارهای جدید منطقه‌ای شکل گرفته است. به رغم این به نظر می‌رسد که این ائتلاف قدرت‌های مذکور، از قابلیت تاثیرگذاری بر ابعاد مختلف امنیت ملی ایران برخوردار بوده است. ایران کشوری است که در عرصه سیاست خارجی، مقابله با سیاست‌های آمریکا به ویژه در منطقه خاورمیانه و تبدیل شدن به قدرت برتر در این منطقه را به عنوان اهداف اصلی در نظر دارد.

در ارتباط با ائتلاف روسیه و چین در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا زکی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش «همسویی امنیتی چین و روسیه در رویارویی با تهدیدات ایالات متحده» خاطر نشان کرده‌اند که چین و روسیه بعد از پایان جنگ سرد شروع به تقویت حوزه‌های همکاری در بخش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی نموده‌اند که سرآمد آن مقابله با تهدیدات آمریکا است. این رویارویی هرگز به منازعه و جنگ ختم نمی‌شود و تهدید آمریکا جهت ایجاد هراس برای رقیب بر سر منافع و چانه‌زنی است. اسلامی (۱۳۹۹) در «تأثیر تهدید آمریکا بر همگرایی ایران، چین و روسیه: ۲۰۲۰-۲۰۱۶» معتقد است که چین و روسیه در دو دهه اخیر بیشترین انگیزه را برای رقابت با آمریکا دارند.

سیاست مهار این کشورها از جانب آمریکا که در قالب فشارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تهدید نظامی اعمال می‌شود، منجر به این شده که چین، روسیه و ایران با تکیه بر توانمندی خود برای چالش منافع آمریکا، به دنبال سیاست ائتلافی نیز برآیند. آدمی و آینه‌وند (۱۳۹۷) در «چگونگی تقابل روسیه و چین با آمریکا در اوراسیا» اصل غالب بر سیاست خارجی آمریکا را مداخله‌گرایی ارزیابی می‌کنند. همچنین با بررسی رویکرد چین و روسیه معتقدند که اتحاد ضد هژمونیک بین این دو کشور به دلایلی چون تفاوت نگاه تاریخی روسیه و چین به منطقه، ماهیت روابط دوجانبه آنان با آمریکا، پیشینه متفاوت روابط با آن، اولویت‌های متفاوت منافع ملی در کنار تفاوت جایگاه قدرت دو کشور، فرصت شکل‌گیری نیافته است. آلکساندر مارک و بروس جونز در سال (۲۰۲۱) در مقاله ای تحت عنوان «ژئوپلیتیک جدید شکندگی روسیه، چین، و افزایش چالش برای ساخت صلح» در مجله سیاست خارجی به تحلیل مسائل چین و روسیه و ارتباطات فی‌مابین می‌پردازند و در تحلیلی همه‌جانبه این ژئوپلیتیک جدید را مورد بررسی قرار داده و عواملی که به ایجاد صلح می‌انجامد را مورد بررسی قرار می‌دهند. راس، رابرت اس، ۲۰۱۳، در مقاله ای تحت عنوان «استراتژی بزرگ ایالات متحده، ظهور چین و استراتژی امنیت ملی برای شرق آسیا مطالعات استراتژیک»، پرداخته است. در قرن بیست و یکم، مهمترین منافع امنیت ملی ایالات متحده، همان چیزی است که از سال ۱۷۷۶ تاکنون بوده است- برای اطمینان از توازن قوا در دو منطقه کناری فرا اقیانوسی که آنها را از نظر داخلی تقسیم می‌کند. امنیت ایالات متحده به طور مستمر به این توازن قوا بستگی دارد تا قدرت‌های اروپایی و آسیای شرقی را از فکر گسترش به نیمکره غربی جلوگیری کند. در حالی که در سال‌های اولیه جمهوری، ایالات متحده می‌توانست روی موازنه‌سازی قدرت بین قدرت‌های بزرگ اروپایی و آسیای شرقی حساب کند، از زمان جنگ جهانی دوم، باید مستقیماً در سیاست موازنه قوا در هر دو منطقه شرکت می‌کرد.

در کل هدف اصلی پژوهش مطالعه زمینه‌های یک‌جانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا و تأثیرات ائتلاف و اتحاد بین روسیه در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بر امنیت ملی ایران، همچنین بررسی متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر بر امنیت ملی ایران می‌باشد. که به نظر می‌رسد ائتلاف راهبردی چین و روسیه در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بر مبنای رقابت و مهار هژمونی آمریکا صورت گرفته و در صدد تضعیف قدرت نوظهور ایران در منطقه بوده و تأثیر منفی بر امنیت ملی ایران داشته است.

از جمع‌بندی پژوهش‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر این پژوهش‌ها تنها برخی زمینه‌های ائتلاف روسیه و چین علیه آمریکا را برشمرده‌اند؛ در حالی که این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر این ائتلاف بر امنیت ملی ایران است. این ائتلاف که طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۹ سعی در مقابله با سیاست آمریکا داشته است، با تأثیراتی بر امنیت ملی ایران همراه بوده است. امنیت ملی بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ دارای چهره‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. بر همین اساس به نظر می‌رسد که موضوعات مختلف ائتلاف راهبردی چین و روسیه، امنیت ملی ایران را در ابعاد فوق تحت تأثیر قرار داده است.

### چارچوب نظری

امنیت ملی به عنوان یکی از مفاهیم پایه در علوم اجتماعی، از اهمیت قابل توجه برخوردار است. هر چند این مفهوم همپای تحولات جهانی رشد نیافته است، اما از دهه ۱۹۹۰-۱۹۸۰ به تدریج آثاری از سوی هدلی بول، برنارد برودی، فرانک سیمونی و باری بوزان ارائه شد که آغازگر راه تازه در حوزه امنیت ملی شناخته می‌شدند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۳۱-۳۰). در نگاه کلاسیک امنیت ملی به مثابه مقابله با تهدید خارجی به وسیله نیروی نظامی تعریف شده است. از دهه ۱۹۹۰ نظریه‌پردازان با مشاهده عدم کارآمدی این تعریف، ویژگی‌های داخلی دولت‌ها نظیر انسجام ملی، هویت یکپارچه، خلاقیت و نوآوری، اجماع نخبگان قدرت، بستر فرهنگی و ... را نیز در تعریف از این مفهوم لحاظ کردند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۵۳).

امنیت ملی هر چند در دوره پس از جنگ جهانی دوم بیشتر تحت تأثیر نظریه واقع‌گرایی قرار گرفت و امنیت نظامی با تأکید بر ویژگی‌های ثابت کشورها از قبیل تمامیت ارضی، تعداد جمعیت قابل بسیج و تسلیحات تهاجمی مد نظر قرار گرفت (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۷۳۲)، اما پس از پایان جنگ سرد و آغاز فرآیند جهانی شدن، فضای جدیدی برای پویش‌های امنیت ملی در جهان پدید آمد. در این برهه نظریه‌پردازانی همچون بوزان، ویور و دوویدل تصویر جدیدی از امنیت ملی ارائه نمودند. بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» که به عنوان جامع‌ترین تحلیل نظری امنیت شناخته می‌شود، امنیت ملی را مساوی با رهایی از تهدید در نظر گرفت و آن را مرکز ثقل دولت مطرح کرد. از این منظر ارتباط سیاسی بین دولت‌ها و نظام مزبور به قدری نزدیک است که بحث مستقل درباره آنها در معرض خطاهای جدی است. بدین ترتیب، امنیت ملی محور امنیت در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و دولتی است که از پنج سطح نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برخوردار است.

از نظر بوزان ابزارهای نظامی در اختیار دولت‌ها با تهدید ناشی از خود سلاح‌ها و تهدید ناشی از این واقعیت که سلاح‌های مزبور در دست سایر نقش‌آفرینان سیستم نیز است مواجه هستند (بوزان، ۱۳۹۰: ۳۰۰). لذا امنیت نظامی به صورت نبود تهدیدات نظامی خارجی و داخلی علیه ارزش‌های مکتسب مادی و معنوی کشور شامل حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، ایمنی و سلامتی مردم و شهروندان، بقای نظام سیاسی و ... است. تهدیدات علیه این ارزش‌ها ممکن است عینی یا ذهنی باشند. آماده باش، اعزام و استقرار نیروهای نظامی دشمن برای حمله بیانگر تهدید عینی، و احساس هراس و ترس از وقوع این تهاجم نشان‌گر ناامنی ذهنی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۲۳-۲۲).

امنیت سیاسی به ثبات سازمانی، نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش دولت آن اشاره دارد. تهدید امنیتی سیاسی با مداخلات خارجی و افزایش آسیب‌پذیری‌های داخلی ایجاد می‌شود. حمایت خارجی از نیروهای سیاسی مخالف و معارض در خارج و داخل کشور، ایجاد شکاف بین دولت-ملت با سلب رضایت ملت از حکومت، تضعیف اراده و روحیه ملی، ناکارآمدی دولت در تأمین مطالبات مردم، شکاف بین حاکمیت و ایجاد حاکمیت دوگانه، از عواملی است که امنیت سیاسی کشور را تهدید می‌کند.

امنیت اجتماعی دولت زمانی است که هویتش مورد تهدید نباشد. منظور از تهدید هویت، تهدیدی است که بقای دولت را دچار مشکل می‌سازد. به عبارتی زمانی امنیت اجتماعی تهدید می‌شود که «مای» جامعه تهدید شود. بنابراین منظور از امنیت اجتماعی تداوم پایدار هویت، منافع و منزلت گروه‌های اجتماعی و راهکارهای حل کشمکش‌های اجتماعی در چارچوب فرهنگ جامعه است (غرایاق‌زندی، ۱۳۸۸: ۹۳).

امنیت اقتصادی دیگر جنبه مورد تأکید مکتب کپنهاگ از امنیت ملی است. از منظر بوزان امنیت اقتصادی به میزان دسترسی توان دولت به فراهم کردن ضروریات زیستی همچون اشتغال، توزیع درآمد، رفاه و ... برمی‌گردد (بوزان، ۱۳۹۰: ۳۷۸). امنیت اقتصادی در معنای محدود برحسب قدرت اقتصادی تعریف می‌شود و دارای ماهیت و کارکرد ابزاری است. وابستگی اقتصادی نمونه بارز ناامنی اقتصادی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۲۹-۲۷).

در نهایت بوزان بعد پنجم امنیت ملی را امنیت زیست‌محیطی دانسته است. امنیت زیست‌محیطی به حفاظت و صیانت از زیست‌کره منطقه‌ای و جهانی به عنوان یک سیستم حمایتی ضروری که کلیه تشکیلات و فعالیت‌های بشر به آن بستگی دارد، مربوط می‌شود. امنیت زیست‌محیطی از آن جهت

مهم است که تخریب محیط زیست بر سایر حوزه‌ها از جمله امنیت بشر تأثیر دارد (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۲۸). این بعد امنیت از زمان افزایش ملاحظات زیست‌محیطی در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفت. با افزایش تأثیر فعالیت بشر بر محیط طبیعی و شکل‌گیری تهدیداتی مانند تخریب لایه اوزن و افزایش گازهای گلخانه‌ای، این موضوع شکل امنیتی گرفت. در مجموع مکتب کپنهاگ به واسطه اهمیتی که به خصوصیات داخلی کشورها در امنیت ملی قائل است، از اهمیت برخوردار است و تبیین جامعی ارائه می‌دهد.

از آنجا که مفهوم امنیت و منطقه در این پژوهش یک مفهوم مرکزی است که امنیت و مسأله تحول مفهوم آن در اینجا مورد توجه است، به نظر می‌رسد نظریه امنیت منطقه‌ای می‌تواند مبنای خوبی برای این پژوهش باشد، باید توجه داشت که در عصر کنونی، ایجاد نظام‌های همکاری منطقه‌ای، پیش شرط اساسی تحول در ساختار امور بین الملل و نیز چارچوبی برای تحقق امنیت در سطح جهانی است، امنیتی که مشترک، جامع و فراگیر محسوب خواهد شد و می‌تواند باعث نزدیکی کشورها در یک منطقه و نیز فراهم آوردن مقدمات توسعه همه جانبه آنها گردد.

### یک‌جانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا

در نظم بین‌المللی کنونی که بعد از دوره جنگ سرد شکل گرفت، جهان با نظمی تک‌قطبی با محوریت آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت حاکم روبرو شد که یکی از ویژگی‌های بارز آن اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه و مبتنی بر زور از سوی آمریکا بود. یک‌جانبه‌گرایی، آمریکا را کشوری استثنایی در عرصه بین‌المللی می‌داند و با منطبق برتری‌جویی در سیاست خارجی آمریکا با منطق برتری‌جویی دارای ارتباطی وثیق است.

این منطق به ویژه نفوذی جدی در کابینه جورج دبلیو بوش رئیس جمهور سابق آمریکا داشت. به گونه‌ای که در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۰ در قالب این گزاره که آمریکا نمی‌تواند از مسئولیت‌های رهبری جهان پرهیز کند، بر سیاست خارجی این کشور حاکم بود (کالاها، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۰). یک‌جانبه‌گرایی بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیش از همه در سیاست مقابله با تروریسم و راهبرد پیش‌دستانه آمریکا در مقابله با آن نمود یافت و بعد از آن در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما (۲۰۰۸-۲۰۱۶) به دلیل اولویت بیشتر رویکرد چندجانبه و اجماع‌سازی در سیاست خارجی این کشور با محدودیت مواجه شد.

با انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶، این بار یک‌جانبه‌گرایی در سیاست

خارجی آمریکا در چارچوب سیاست خروج این کشور از رژیم‌های بین‌المللی پیمان تجاری اقیانوس آرام، توافق بین‌المللی آب و هوایی پاریس، یونسکو، توافق هسته‌ای با ایران و توافق تجاری آمریکای شمالی شکل تازه‌ای گرفت. در عین حال یک‌جانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا در دوره بایدن نیز ادامه یافته است که خروج غیرمسئولانه نیروهای آمریکا از افغانستان بدون در نظر گرفتن آینده دولت مرکزی کابل و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی نمونه آن است.

### یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در مقابل چین

واقعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و تعمیق سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا، برآمدن کشورهای روسیه و چین در قامت رقیب این کشور را موجب شد که به صورت‌های مختلف از جمله سیاست ائتلافی به مقابله با این رویکرد آمریکا پرداخته‌اند. چین به عنوان مهم‌ترین رقیب آمریکا توانسته است در طی چند دهه حاکمیت حزب کمونیست، با کاهش علایق ایدئولوژیک و تقویت برنامه‌های عمل‌گرایانه به عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌ها در نظام بین‌الملل ظاهر شود (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۱۲۶). چین در سیاست خارجی خود در نظام بین‌الملل، همکاری توأم با رقابت با آمریکا را در دستور کار دارد. نگاه پکن به نظام بین‌الملل مبتنی بر چندقطبیت است که در دوره ریاست جمهوری شی جین‌پینگ تقویت شد. شی نقش چین را به عنوان یک مدافع جهانی شدن اقتصاد و رهبر مبارزه با چالش‌های جهانی برشمرد (عسگریان، ۱۳۹۷: ۲).

چین با سرمایه‌گذاری در آمریکا و خرید شرکت‌های آمریکایی مانند **Sovereign Wealth fund** به قیمت ۲۰۰ میلیارد دلار سعی در ایجاد وابستگی متقابل بین خود و واشنگتن داشته است. به علاوه، چین و آمریکا از منظر اقتصادی وابستگی عمیقی به یکدیگر دارند که نتیجه آن، استمرار درجه مشخصی از ثبات در روابط دو کشور است. برژینسکی مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا در این باره معتقد است که چین تمایلی برای چالش آمریکا در عرصه نظامی ندارد و بر توسعه اقتصادی و تلاش برای اعتمادسازی متمرکز است (امام جمعه‌زاده و میرکوشش، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۱).

هر چند سیاست خارجی آمریکا در دوره اواما به جای تقابل با قدرت در حال ظهور چین، ضمن تلاش برای مهار آن، الگوی تعامل با آن را پی گرفت و زمینه ادغام بیشتر چین در ساختار نظام بین‌الملل را فراهم آورد (احمدیان و کهریزی، ۱۳۹۸: ۱۰)، اما استراتژی دفاعی آمریکا در این دوره، بر مبنای محدود ساختن چین در قالب مرزهای رسمی خویش شکل گرفت. این موضوع باعث شد که چین در مهار دامنه نفوذ غرب در محیط پیرامون خود نیز همین هدف در پیش گیرد (رضایی و

وثوقی، ۱۳۹۵: ۹۸). در دوره ترامپ، روابط پکن - واشنگتن مجدداً تحت تأثیر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا به ویژه جنگ اقتصادی و تجاری قرار گرفت که سرمنشاء آن، اتخاذ سیاست حمایت‌گرایی اقتصادی دولت آمریکا بود. آمریکا از ابتدای سال ۲۰۱۸ تعرفه ۱۰ درصدی را بر کالاهای وارداتی چین اعمال نمود و در ادامه آن را تا ۲۵ درصد افزایش رساند. این سیاست ریشه در شعار «آمریکا؛ نخست» در راهبرد امنیتی ملی آمریکا داشت و کسری تجاری میان آمریکا و چین را کاهش داد (صادقی، ۱۳۹۷: ۳).

یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در قبال چین در دوره بایدن شکل محدودتری به خود گرفته است. بایدن در اجلاس مجازی نوامبر ۲۰۲۱ سازمان ملل خطاب به همتای چینی گفت: «به نظر من مسئولیت ما به عنوان رهبران چین و آمریکا این است که مراقب باشیم رقابت بین کشورهای مان به یک درگیری از پیش طراحی شده یا ناگهانی ختم نشود» (آنکیت، ۱۴۰۰: ۱). به رغم این، خروج نیروهای آمریکا از افغانستان و عدم ساماندهی وضعیت حکومت این کشور را می‌توان به عنوان سیاستی یک‌جانبه از سوی آمریکا در نظر گرفت که منافع اقتصادی چین به ویژه در طرح کریدور اقتصادی پاکستان-چین را با چالش مواجه می‌کند.

### یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در مقابل روسیه

روسیه دیگر مخاطب سیاست یک‌جانبه آمریکا است. روسیه از دوره ریاست جمهوری پوتین نظام تک‌قطبی را مغایر با منافع خود ارزیابی کرده است. از منظر مسکو نظام تک‌قطبی وضعیتی ناپایدار است که با ظهور مراکز جدید قدرت مانند چین و روسیه به چالش کشیده شده و دیر یا زود موازنه قدرت به شکل جدید برقرار می‌شود (نوری، ۱۳۸۷: ۹۳). در روابط روسیه و آمریکا در دو دهه اخیر، رقابت و تعارض وجه غالب بوده است. هر چند روسیه در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ به ویژه در روابط دوجانبه عمل‌گرایی قابل توجهی در قبال آمریکا در پیش گرفت، اما با انتخاب مجدد پوتین در سمت رئیس جمهور روسیه وارد مرحله‌ای نوینی از رقابت استراتژیک شد. این رقابت که هم‌زمان با دوره دوم اوپاما در آمریکا بود، با حضور پررنگ مسکو در بحران‌های اوکراین و سوریه و سیاست تحریم آمریکا علیه این کشور همراه بود.

مسکو در این دوره در تلاش برای محدودکردن یک‌جانبه‌گرایی آمریکا برآمد که نمودهای آن استفاده از سازوکارهای جمعی و چندجانبه با تقویت پیمان امنیت دسته‌جمعی، سازمان همکاری شانگهای و تشکیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا بود (کوزه‌گرکالجی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). یک‌جانبه‌گرایی



آمریکا بعد از سال ۲۰۱۴ علیه روسیه با تلاش برای رخنه در حوزه نفوذ سنتی روسیه در اوکراین و سوریه ادامه یافت. فشار آمریکا به ویژه بعد از الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه افزایش یافت. اواما در نشست سال ۲۰۱۶ سران ناتو اعلام کرد که «اقدام‌های خصمانه روسیه علیه اوکراین، تهدیدکننده دیدگاه و مواضع ما برای اروپا به عنوان منطقه صلح و آزادی است و اعضای ناتو باید تعهدهای لازم را برای مقابله با این چالش برعهده گیرند.» واشنگتن همچنین با اعزام نیرو به استونی، لتونی و لیتوانی کشورهای نزدیک به روسیه و برگزاری بیش از ۲۰۰ رزمایش در سال ۲۰۱۵ که نیمی از آنها نزدیک مرزهای روسیه انجام شد، فشار را بر مسکو افزایش داد (مولوی‌نیا، ۱۳۹۵: ۲).

با انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، الگوی مبتنی بر همکاری و رقابت در برابر روسیه اتخاذ شد. ترامپ در سخنرانی خود در ورشو لهستان از روسیه درخواست کرد تا از حمایت ایران و سوریه دست بردارد. وی همچنین در دوم اوت ۲۰۱۷ قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها معروف به کاتسا را امضا کرد که هدف اصلی آن روسیه و ایران بود. در مقابل ملودیف نخست‌وزیر روسیه این قانون را «جنگ تجاری تمام‌عیار علیه روسیه» خواند. در دسامبر ۲۰۱۷ با انتشار سند امنیت ملی آمریکا، از روسیه به عنوان رقیب تجدیدنظرطلب آمریکا نام برد. در ژانویه ۲۰۱۸ با انتشار سند راهبرد دفاع ملی آمریکا، رقابت با روسیه به عنوان دغدغه اصلی تصمیم‌سازان دفاعی آمریکا معرفی شد. دولت آمریکا در موضوع مسمومیت سرگی اسکریبال جاسوس دوجانبه روسی در لندن در مارس ۲۰۱۸، دستور اخراج ۶۰ دیپلمات روسی و تعطیلی کنسولگری روسیه در سیاتل را صادر کند (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

بعد از روی کار آمدن بایدن در سال ۲۰۲۰، جبهه اختلافات آمریکا و روسیه گسترش یافت. بایدن با تقویت توان نظامی اوکراین، انگیزه تهاجمی روسیه را افزود و با فشار بر خط لوله گاز نورد استریم ۲ و تحریک اوکراین، اروپا را بر آن داشت تا شریک گازی دیگری جز روسیه انتخاب کند (ترین، ۱۳۹۹: ۳-۲). سیاست یک‌جانبه آمریکا علیه روسیه در این دوره به گونه‌ای است که آندری کورتونوف مدیرکل شورای امور بین‌الملل روسیه معتقد است «سیاست‌های بایدن باعث تنگ شدن فضای مانور روسیه می‌شود» (کورتونوف، ۱۳۹۹: ۲).

### ائتلاف راهبردی روسیه و چین علیه یک‌جانبه‌گرایی آمریکا

در یک دهه اخیر روسیه و چین پس از مواجهه با اقدامات یک‌جانبه آمریکا، با گسترش همکاری تلاش کردند تا با ائتلاف و تقویت روابط خود در مقابل اقدامات آمریکا موازنه برقرار نمایند. این

روند ائتلافی با برخی از عوامل بین‌المللی از جمله عضویت دائم دو کشور در شورای امنیت سازمان ملل، دارا بودن قدرت‌های هسته‌ای پذیرفته شده و تلاش برای بازداشتن آمریکا از استمرار نظام بین‌الملل تک‌قطبی تقویت شده است (روحی دهبنه، ۱۴۰۰: ۱۳۸). در این چارچوب ائتلاف راهبردی دو کشور در مقابل آمریکا در عرصه‌های اقتصادی، انرژی، نظامی، منطقه‌ای و جهانی دیده می‌شود.

### همکاری اقتصادی

همکاری اقتصادی بخش بزرگی از ائتلاف روسیه و چین است. روابط اقتصادی دو کشور به استثنای مقاطع کوتاه، از سال ۲۰۰۱ همواره روند افزایشی داشته و حجم مبادلات تجاری دو کشور از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۱۰۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده است. روسای جمهور دو کشور در نشست ژوئن ۲۰۱۹ مسکو، رقم ۲۰۰ میلیارد دلار را برای تجارت دو کشور تا سال ۲۰۲۴ هدف‌گذاری کردند (جوکار، ۱۴۰۰: ۱-۲). مسکو و پکن در سال‌های اخیر در روابط اقتصادی فیمابین به دنبال چارچوب مالی جدید با هدف کاهش وابستگی به دلار و مؤسسات مالی غربی هستند و بدین منظور سیستم‌های پرداخت ملی خود، سیستم پرداخت بین بانکی فرامرزی و انتقال پیام‌های مالی را برای جلوگیری از تحریم راه‌اندازی کرده‌اند. به گونه‌ای که سهم دلار در تجارت دو جانبه روسیه و چین از ۹۰ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۴۶ درصد در سه ماه اول ۲۰۲۰ کاهش یافت (صفری و رادگودرزی، ۱۴۰۰: ۲۸۹).

طرح یک کمربند - یک جاده که از سال ۲۰۱۳ در دستور کار چین قرار دارد، از مهم‌ترین موارد همکاری اقتصادی دو کشور در برابر آمریکا است. هدف این طرح اتصال چین به اوراسیا و غرب آسیا با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی است (Mark & Jones, 2021: 2). این طرح بیش از همه منافع اقتصادی و امنیتی چین و روسیه را به همراه داشته است. فرآیندهای دیپلماتیک همکاری‌جویانه در قالب این طرح به دو کشور اجازه استفاده از قدرت اقتصادی برای تأثیر بر سیاست‌های منطقه‌ای را داده است. اجرایی‌شدن این طرح علاوه بر این که تحریم‌های غرب علیه روسیه را کم‌رنگ ساخته، موجب توسعه همکاری دو کشور در عرصه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی شده است (جوزانی کهن و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵).

### همکاری انرژی

روسیه از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر انرژی در دنیا است و از آنجا که اقتصاد چین رشد فزاینده‌ای را تجربه می‌کند، بنابراین تقاضای آن برای منابع انرژی در حال افزایش است. تولید و مصرف انرژی

در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۴۰ در چین به ترتیب به ۴۵ درصد و ۴۱ درصد افزایش می‌یابد که بسیار سریع‌تر از رشد جهانی با ۳۴ و ۳۵ درصد است. هر چند چین بیشتر نفت خود را از خاورمیانه وارد می‌کند، اما به دلیل غلبه آمریکا در این منطقه و فعالیت گروه‌های تروریستی، در پی واردات نفت از روسیه به عنوان جایگزین است (صفری و رادگودزی، ۱۴۰۰: ۲۹۲). بنابراین چین به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده نفت و گاز در جهان، قراردادهای بسیار مهمی در این بخش امضاء کرده‌اند که سرنوشت دو کشور را بیشتر به هم پیوند زده است. با شروع صادرات نفت از طریق خط لوله سیبری شرقی-اقیانوس آرام، روسیه در سال ۲۰۱۵ بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به چین شد. در بخش گاز نیز بزرگ‌ترین قرارداد بین دو کشور در سال ۲۰۱۴ بین شرکت روسی گاز پروم و شرکت ملی نفت چین برای انتقال گاز به چین از طریق خط لوله قدرت گاز سیبری به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار و به مدت ۳۰ سال به امضا رسید (جوکار، ۱۴۰۰: ۳).

### همکاری‌های نظامی

همکاری نظامی بخش دیگر ائتلاف راهبردی چین و روسیه علیه آمریکا است. این روابط نظامی در سطوح فروش سلاح، تمرین‌های نظامی، همکاری‌های فنی و ملاقات‌های نظامیان دو کشور در جریان است (زکی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۵). در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۹، ارزش همکاری نظامی روسیه با چین بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار شد. مسکو و پکن در سال ۲۰۱۶ قرارداد نظامی فنی با ارزش سه میلیارد دلار امضاء کردند. به گفته الکساندر شربینین معاون آژانس صادرات تسلیحات دولتی روسیه، همکاری نظامی روسیه و چین، سالانه چند میلیارد دلار است. همکاری در حوزه فضایی، کمک روسیه به ایجاد سیستم هشدار حمله موشکی در چین و مانورهای نظامی مشترک سالانه سایر جنبه‌های روابط نظامی دو کشور هستند.

### همکاری در حوزه حکمرانی جهانی

به طور کلی بر اساس این ایده که آینده قدرت جهانی در شرق دنیا قرار دارد و دوران سلطه آمریکا و غرب تداوم نخواهد داشت، هر دو کشور چین و روسیه سعی دارند تا مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها را برای حکمرانی جهانی از منظر خود مورد توجه قرار دهند. در واقع هدف اصلی آنها ایجاد چالش برای آمریکا در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک است. همکاری دو کشور در سازمان اقتصادهای نوظهور (بریکس) به عنوان فرصتی برای چین و روسیه در همکاری قبل از تصمیم‌گیری و اقدام در نهادهای جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تلقی می‌شود. هماهنگی دو

کشور در بریکس اقدامات جهانی را به ویژه در مناطقی که آنها دارای منافع هستند، تضمین می‌کند (صفری و رادگودزی، ۲۰۰۱: ۲۸۸).

از سوی دیگر مسکو و پکن در عین حالی که سعی در بازنگری در نظم موجود بین‌المللی دارند، سعی می‌کنند از ویژگی‌های نظم موجود نیز به نفع خود استفاده کنند. نمونه آن، تأکید بر نقش سازمان ملل در مدیریت روندهای جهانی است. ولادیمیر پوتین درباره نقش سازمان ملل معتقد است «اصول اساسی شورای امنیت سازمان ملل مکانیزم بی‌ظنری برای جلوگیری از بروز جنگ‌های تمام عیار یا یک درگیری جهانی دارد و باید به شیوه کار خود در این زمینه، البته با تأثیرگذاری بیشتر ادامه دهد» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹). در عین حال، مسکو و پکن درصدد تولید ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت توازن قدرت به ویژه در شورای امنیت سازمان ملل هستند.

### همکاری در برخورد با بحران‌های منطقه‌ای

یکی دیگر از زمینه‌های ائتلافی دو کشور را تشریح مساعی و همکاری مشترک برای مقابله با بحران‌های منطقه‌ای تشکیل داده است. مثال بارز این موضوع، آسیای مرکزی است. در همکاری دو کشور در مورد آسیای مرکزی این استدلال وجود دارد که نوعی تقسیم کار بین دو کشور وجود دارد که در آن چین از طریق طرح‌هایی نظیر یک کمربند - یک راه بر سرمایه‌گذاری تمرکز دارد و روسیه نیز از نظر سیاسی و نظامی شرایط را فراهم می‌کند. دو کشور همچنین در بحران‌های امنیتی سین-کیانگ و چچن انگیزه‌ها و اهداف مشترکی در مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم دارند. بحران‌هایی نظیر بحران سوریه و اوکراین نیز منجر به تعمیق همکاری دو کشور علیه آمریکا شده است. به ویژه بعد از اعمال تحریم‌های آمریکا علیه روسیه در بحران اوکراین، مسکو در حوزه اقتصادی به سمت آسیا و چین چرخش نمود که مثال آن انعقاد قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری صادرات گاز روسیه به چین بود.

### همکاری در سازوکارهای منطقه‌ای

یکی دیگر از رویکردهای ائتلافی روسیه و چین برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، توجه به ایجاد سازوکارهای جدید با محوریت خویش است. سازمان همکاری شانگهای یکی از سازوکارهای منطقه روسیه و چین در برابر آمریکا است. این سازمان که در سال ۲۰۰۱ توسط سران پنج کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان پایه‌گذاری شد، ابزاری برای پیشبرد منافع چین و روسیه و تداوم پایدار وضعیت منطقه به گونه مدنظر آنها است (جوزانی کهن و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۸).

مسکو و پکن، شانگهای را نماد چندقطبی شدن جهان و جلوگیری از سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا می‌دانند. این سازمان در سطح منطقه‌ای نماد اصلی مشارکت استراتژیک دو کشور است که از آن به عنوان ابزاری جهت پی‌ریزی نظم منطقه‌ای مطلوب بهره می‌گیرند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۶).

تشکیل بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی در اکتبر ۲۰۱۴ با محوریت چین با عضویت ۲۲ دولت آسیایی سازوکاری دیگر است. تأسیس این بانک به عنوان تلاش چین برای نهادینه کردن خود به عنوان سرمایه‌گذار جدید در سطح جهانی ارزیابی می‌شود (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۳). روسیه نیز در سال ۲۰۱۵ اتحادیه اقتصادی اوراسیا را با مشارکت ارمنستان، بلاروس، قزاقستان و قرقیزستان تأسیس کرد. تأسیس این اتحادیه به عنوان پاسخ روسیه به کاهش رشد اقتصادی و تضمین بازار انحصاری برای صادرات ارزیابی می‌شود. روسیه امیدوار است که این اتحادیه را به عنوان یک شریک در ابتکار یک کمربند - یک جاده چین وارد کند. بدین منظور در می ۲۰۱۸ یک توافق اقتصادی و تجاری بین این اتحادیه با چین به امضاء رسید (زارعی و عباسی، ۱۳۹۷: ۴۶).

**تأثیرات ائتلاف چین و روسیه در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بر امنیت ملی ایران**

#### امنیت سیاسی

سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا افغانستان و عراق را مورد تهاجم قرار داد. حضور طولانی آمریکا در عراق، ایران را با مسائل عدیده‌ای از جمله بحران گسترش گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش روبرو کرد. آمریکا همچنین در طول مرزهای ایران بیش از ۵۰ پایگاه نظامی را در اختیار دارد که به عنوان تهدید بالقوه علیه ایران محسوب می‌شوند. در این شرایط، یک بعد تأثیر ائتلاف چین و روسیه در مقابل آمریکا بر امنیت ملی ایران، تأکید بر نقش نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل است. این تأکید بیش از همه متأثر از اصل برابری دولت‌هاست که در منشور سازمان ملل بازتاب یافته است. رؤسای جمهور ایران همواره در سخنرانی‌های خود در مجمع عمومی، بر نقش اصلی سازمان ملل در امنیت، ثبات و کاهش میزان خشونت در جهان تأکید کرده‌اند. ایران همواره امیدوار است تا با تحقق چرخش قدرت از غرب به شرق بتواند به عنوان یک عضو غیردائم شورای امنیت مطرح شود و یا این که با افزایش قدرت چین و روسیه در این سازمان، بتواند از توان آنها در راستای محدود کردن آمریکا استفاده کند.

دیگر بعد ائتلاف راهبردی چین و روسیه علیه آمریکا که بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار است، عضویت در سازمان شانگهای است. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود به ویژه از این جهت که درگیر نوعی تنهایی استراتژیک است (مرادی کلارده و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۶)، می‌تواند با عضویت در سازمان شانگهای و همکاری با اعضای آن امنیت ملی خویش را ارتقاء بخشد. از منظر ایران، عضویت در شانگهای چالش جدی برای هژمونی جهانی آمریکا محسوب می‌شود. حضور دو عضو دائم شورای امنیت و کشورهایی نظیر هند، علاوه بر افزایش قدرت بازیگری سازمان در منطقه، ظرفیت قابل توجهی را برای ایفای نقش تعیین‌کننده آن در تحولات جهانی تولید می‌کند (حاجی-یوسفی و سادات‌الوند، ۱۳۸۷: ۱۸۳-۱۸۲). عضویت کامل ایران در شانگهای که بعد از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۷ مورد توجه بیشتر ایران قرار گرفت و سرانجام در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ در اجلاس تاجیکستان به تأیید تمامی اعضای این سازمان رسید. ایران انتظار دارد با عضویت در این سازمان علاوه بر ارتقاء وضعیت منطقه‌ای خود، با افزایش تجارت نفت با سایر اعضای از جمله چین و هند، تأثیر منفی تحریم‌های آمریکا بر بخش انرژی خود را کاهش دهد (صفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۵-۱۱۴).

جستجوی افق‌های نو در بریکس دیگر مزیت امنیت ملی ایران از ائتلاف روسیه و چین در برابر آمریکا است. رقابت نهاد اقتصادهای نوظهور یا بریکس با آمریکا به ویژه پس از بحران اقتصادی غرب در سال ۲۰۰۸ بیش از پیش به چشم آمد. در سال‌های بعد نیز این موضوع مطرح شد که بریکس با داشته‌های سیاسی و توانمندی‌های اقتصادی می‌تواند به وزنه‌ای برای توقف سلطه آمریکا بر جهان تبدیل شود (فاطمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷). رویکرد بریکس در ایجاد تغییر در نظام بین‌الملل برای ایران که این نظام را ناعادلانه می‌داند و خواستار حاکمیت نظامی عادلانه‌تر است، جذاب است و می‌تواند نشانه تشکیل قطب جدید موازنه‌گر باشد (ایزدی و مطهری، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۰). ایران در راستای تقویت بنیان‌های امنیت ملی خویش، مشخصاً از سال ۲۰۱۵ تمایل خود به عضویت در بریکس را اعلام نمود. اعضای بریکس نیز با مشاهده توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵، از این موضوع استقبال کردند اما بعد از خروج آمریکا از برجام و گسترش منازعه ایران و غرب، این موضوع به فراموشی سپرده شد. از این گذشته این نگرانی برای غرب وجود دارد که بریکس بتواند عضو جدیدتری بپذیرد و تبادلات و مبادلات پولی و بانکی خاص خود را گسترش دهد که نتیجه آن کنار زدن سلطه دلار و سایر اهرم‌های اقتصادی غرب از بخش بزرگی از اقتصاد جهانی خواهد بود

(زهره‌وند، ۱۴۰۱: ۱-۲).

### امنیت نظامی

یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در قبال ایران در بعد نظامی دارای دو جنبه مستقل است. جنبه نخست به روابط نظامی آمریکا با کشورهای اطراف ایران برمی‌گردد. آمریکا از دهه ۱۹۹۰ م روابط گسترده‌ای را با کشورهای عربی جنوب خلیج فارس و کشورهای قفقاز ایجاد کرده و قراردادهای متعدد ایجاد پایگاه و فروش سلاح را با این کشورها منعقد کرده است. طبق آمار سال ۲۰۲۱ عربستان، امارات و آذربایجان به عنوان مشتریان اصلی سلاح‌های آمریکا در زمره کشورهای با بیشترین هزینه نظامی در دنیا محسوب می‌شوند (Sipri, 2021: 5). جنبه دوم موضوع به تحریم‌های تسلیحاتی آمریکا علیه ایران برمی‌گردد که طی چند دهه گذشته ایران را از دستیابی به تسلیحات جدید متعارف محروم کرده است. این در حالی است که تلاش‌های ایران برای تولید بومی این سلاح‌ها از جمله انواع موشک‌های برد بلند و متوسط نیز با تحریم آمریکا مواجه شده است (مرادی کلارده و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۶).

نتیجه تحریم تسلیحاتی ایران توسط آمریکا، سوق یافتن تهران به سمت روسیه و چین برای تأمین نیازهای دفاعی خویش است. رؤسای جمهور روسیه و ایران در حاشیه اجلاس ۲۰۱۵ سازمان شانگهای توافق کردند که همکاری برای پایان دادن به تحریم تسلیحاتی و دیگر تحریم‌ها علیه ایران را افزایش دهند. در سفر سرگئی شویگو وزیر دفاع روسیه به تهران در ژانویه ۲۰۱۵، دو کشور توافق نظامی شامل توسعه همکاری دوجانبه ضدتروریسم، تبادل پرسنل نظامی برای اهداف آموزشی و تفاهم برای استفاده نیروی دریایی دو کشور از بنادر را امضاء نمودند. پوتین در آوریل ۲۰۱۵ دستور لغو ممنوعیت تحویل سیستم موشکی اس ۳۰۰ را به ایران صادر و این سامانه‌ها در سال ۲۰۲۰ به ایران تحویل داده شد (امیری، ۱۳۹۴: ۹۲-۹۰). ایران در سال ۲۰۱۶ ۱۵۰ فروند جنگنده Chengdu J-10 از چین خریداری کرد. در سال ۲۰۱۷ کمیسیون مشترک نظامی دو کشور تشکیل شد و در پی آن دیدار وزیر دفاع، رؤسای ستادکل نیروهای مسلح، فرماندهان شاخه‌های نیروهای مسلح دو کشور و تبادل بازدید کشتی‌های دو کشور و رزمایش مشترک دریایی در خلیج عمان و اقیانوس هند انجام شد (سازین، ۲۰۲۲: ۳).

### امنیت اقتصادی

سیاست‌های تحریمی یک‌جانبه آمریکا بیش از همه امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. تحریم آمریکا علیه ایران که در دوره کارتر آغاز شد، از سال ۲۰۰۸ و با روی کار آمدن باراک اوباما

افزایش یافت. این تحریم‌ها حوزه‌های مختلف مالی، سرمایه‌گذاری، نفتی، تکنولوژی، دارایی‌های افراد و سازمان‌های ایرانی را شامل شده است. هر چند از منظر آمریکا، هدف اصلی تحریم‌ها دولت ایران است، اما واقعیت آن است که تحریم‌ها با هدف ایجاد نارضایتی در مردم به علت فشارهای اقتصادی است (نادمی و حسونند، ۱۳۹۸: ۱۵۴). آمریکا بعد از خروج از برجام و در راستای راهبرد فشار حداکثری و تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی علیه ایران را بازگرداند و دامنه آنها نسبت به دوره پیش از برجام افزایش داد. خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۱۸ بیش از ۷۰۰ فرد، مؤسسه، هواپیما، کشتی و بانک ایران را تحریم کرد. از منظر آمریکا، قطع ارتباط بانک‌های ایرانی با نظام مالی بین‌المللی منجر به مقابله مؤثر با تهران شده و به اثربخشی بیشتر دیگر ابزارهای اعمال فشار حداکثری کمک کرده است. در مقابل، ایران نیز به دنبال روزنه‌هایی برای ترمیم اقتصادی خویش بوده است که یکی از آنها را در همکاری بیشتر با چین و روسیه یافته است (علیخانی، ۱۳۹۹: ۷۴).

در این راستا در سفر شی جین‌پینگ در ژانویه ۲۰۱۶ به ایران، وام‌های بدون بهره و کم بهره از سوی بانک توسعه زیرساخت‌های آسیا برای توسعه کابل‌کشی فیبر نوری و توسعه خطوط پرسرعت ریلی از جمله خط پرسرعت تهران - مشهد اختصاص یافت. همچنین در زمینه ایجاد مناطق آزاد و شهرک‌های صنعتی جدید با سرمایه و فناوری چینی از جمله در بندر جاسک و تأمین مالی طرح‌های توجیه‌پذیر از سوی آگزیم بانک چین نیز با ایران توافقی‌هایی انجام شد (صفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۴). طبق آمارهای ارائه شده از سوی مراجع اقتصادی داخلی، صادرات ایران به چین در سال ۱۳۹۹، ۲۶ میلیون و ۵۸۵ هزار تن به ارزش هشت میلیارد و ۹۵۴ میلیون دلار بوده است. در همان سال سه میلیون و ۵۴۳ هزارتن کالا به ارزش ۹ میلیارد و ۷۶۱ میلیون دلار از چین به ایران وارد شد (لطیفی، ۱۴۰۰: ۲). با امضای برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در مارس ۲۰۲۱ و تحقق سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چین در این بازه زمانی، می‌توان شاهد همکاری‌های بیشتر دو کشور بود.

### امنیت زیست محیطی

ایران در حوزه‌های مختلف محیط زیست در طول دو دهه اخیر با بحران مواجه بوده و شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که جزء ده کشور اول جهان در آلودگی هوا، فرونشست زمین، نابودی تالاب‌ها و بیابان‌زایی است (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۹: ۳۵). تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، دسترسی ایران را به فناوری‌های جدید در حوزه محیط زیست محدود کرده و ایران



را در این حوزه به چین و روسیه نزدیک کرده است. همکاری‌های ایران و چین در این حوزه با امضای سند همکاری زیست محیطی بین دو کشور به عنوان یک سند پایه در اردیبهشت ۱۳۹۱ شکل گرفت. بخش‌های اصلی این سند، در پایش محیط، خاک، دریا، مدیریت پسماند و سوخت است (سایت زیست‌بوم، ۱۳۹۱/۰۲/۱۸). در سفر رئیس‌جمهور چین به تهران در بهمن ۱۳۹۴ نیز ۱۷ سند و یادداشت تفاهم همکاری بین دو کشور امضاء شد. بین ایران و روسیه نیز در دهمین نشست کمیسیون همکاری‌های مشترک در سال ۱۳۹۱، سند همکاری‌های زیست‌محیطی امضاء شد (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۹۱). همچنین در چهارمین اجلاس سران کشورهای حاشیه خزر در سال ۲۰۱۴، سه موافقت‌نامه همکاری زیست‌محیطی شامل حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع آبی، آب و هواشناسی و پیشگیری و واکنش به وضعیت اضطراری امضا شد.

### نتیجه‌گیری

نظام بین‌الملل پس از پایان جنگ سرد تک تأثیر قدرت فائقه آمریکا به عنوان ابرقدرت قرار گرفته است. این روند در ادبیات بین‌المللی به یک‌جانبه‌گرایی معروف شد. با این وجود، به تدریج با سر برآوردن قدرت‌های برتر نظیر روسیه و چین در سطح مناطق جغرافیایی مختلف در جهان، نوعی موازنه در سطح مختلف علیه آمریکا شکل گرفت. این قدرت‌ها با سروسامان دادن به وضعیت سیاسی و اقتصادی خود و اتخاذ رویکردهای رقابتی در قبال آمریکا به صورت مستمر، روند افزایش قدرت را در پیش گرفتند. ایجاد و گسترش چنین روندی از رقابت بین سیاست مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و موازنه چین و روسیه به عنوان رقبای آن، امنیت ملی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

بدین لحاظ موضوع ائتلاف راهبردی چین و روسیه در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران از چند منظر دارای اهمیت است. از یک طرف این موضوع به چگونگی شکل‌گیری نظم بین‌المللی در یک دهه اخیر نظر دارد. در یک دهه گذشته نظم تک‌قطبی مورد نظر آمریکا از سوی برخی قدرت‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل به نظم چندقطبی در گذار است. این موضوع روزنه‌هایی را برای ایران به عنوان قدرت برتر در سطح خاورمیانه باز می‌کند تا از فضاهاى خالی ایجاد شده در نظم چندقطبی کنونی استفاده کند. از سوی دیگر بسیاری از اندیشمندان معتقدند که قدرت آینده جهانی در شرق قرار دارد. دلیل این امر قدرت‌گیری روزافزون روسیه و چین در مقابله با آمریکا به ویژه در مناطق پیرامون خویش است. در درجه سوم، روند ایجاد چالش برای آمریکا به

عنوان قدرت هژمون به وسیله ائتلاف چین و روسیه و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای امنیت ملی برخی از کشورها همچون ایران نیز دارای اهمیت است.

در این پژوهش سعی شد تا از طرفی تصویری از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا ارائه شود و از طرف دیگر با بررسی ائتلاف راهبردی روسیه و چین در مقابل آمریکا، تأثیر آن بر امنیت ملی ایران بررسی شود. یک‌جانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا دارای پیشینه تاریخی است. این رویکرد در دو دهه گذشته بیش از همه در راهبرد مقابله با تروریسم از سال ۲۰۰۱ و حملات پیش‌دستانه در دوره ریاست جمهوری بوش جریان داشت. سیاست خارجی آمریکا در دوره اوباما بیشتر تحت تأثیر چندجانبه‌گرایی و راهبرد اجماع‌سازی علیه دشمنان گرفت و یک‌جانبه‌گرایی در دوره اوباما محدود شد. با این وجود در دوره ترامپ یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بیش از همه در سیاست خروج این کشور از سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی نمود یافت. با انتخاب بایدن به ریاست جمهوری آمریکا نیز این روند در سیاست خروج آمریکا از افغانستان دیده می‌شود.

روسیه و چین را می‌توان به عنوان مهم‌ترین کشورهای متأثر از سیاست خارجی یک‌جانبه‌گرای آمریکا در نظر گرفت که به منظور مقابله با آن سعی در ائتلاف‌سازی با هم در مقابل آمریکا در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۹ داشته‌اند. مهم‌ترین زمینه این ائتلاف نیز در حوزه همکاری اقتصادی، خرید و فروش انرژی، تعاملات نظامی، حوزه‌های منطقه‌ای نظیر سازمان همکاری شانگهای و سازوکارهای حوزه حکمرانی جهانی شکل گرفته است. با عطف توجه به نظریه مکتب کپنهاگ در بررسی‌های امنیت ملی، ائتلاف راهبردی روسیه و چین با تأثیراتی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و زیست محیطی بر امنیت ملی ایران همراه بوده است.

در بعد سیاسی امنیت ملی به نظر می‌رسد که ایران در صدد مقابله با این تهدیدات برآمد که یکی از موارد مهم این مقابله، تأکید ایران بر نقش سازنده سازمان ملل در راستای کاهش تأثیر سیاست یک‌جانبه آمریکا بوده است. ایران امیدوار است در این راستا بتواند از جایگاه روسیه و چین به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی بهره‌گیری نماید. عرصه دیگر عضویت ایران در سازمان شانگهای و بهره‌گیری از مزایای آن با حمایت روسیه و چین است. حضور روسیه و چین به عنوان دو قدرت بزرگ مخالف یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در شانگهای، برای ایران که در تضاد با آمریکا است، از مزایای سیاسی، اقتصادی و ... برخوردار است. ایران همچنین با استفاده از ائتلاف روسیه و چین که یکی از نمودهای آن عضویت دو کشور در بریکس بود، سعی در گسترش روابط با این نهاد اقتصادی‌های

نوظهور به منظور تحکیم امنیت ملی داشته است.

در بعد نظامی، ائتلاف راهبردی چین و روسیه برای ایران مزایایی از قبیل مقابله با تحریم‌های اعمالی غرب علیه ایران را به همراه داشته است. همچنین با افزایش زمینه‌های همکاری چین و روسیه و گسترش همکاری با ایران به نظر می‌رسد که ایران می‌تواند تسلیحات مورد نیاز وارداتی خود را از این کشورها تأمین نماید. در بعد اقتصادی، توافق‌ها و قراردادهای مختلفی بین ایران و روسیه و چین در حوزه خرید نفت و گاز ایران و سایر زمینه‌ها به امضاء رسیده است. در بعد زیست‌محیطی نیز علی‌رغم تأثیرات منفی سیاست یک‌جانبه آمریکا، به نظر می‌رسد که همکاری با چین و روسیه که در اسناد و توافق‌های محیط زیستی دو طرف منعکس شده است، بر امنیت ملی ایران در این حوزه مؤثر بوده است.

### کتابنامه

۱. بوزان، باری، (۱۳۹۰). *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲. جوکار، علی‌اکبر، (۱۴۰۰). *روسیه و چین رقابت دوستانه اهداف راهبردی*، نشر مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳. شهبان، مایکل، (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*، ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
۴. غرایاق زندی، داود، (۱۳۸۶). *درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی*، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵. عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، تهران: نشر ابرار معاصر
۶. کالاهان، پاتریک، (۱۳۸۷). *منطق سیاست خارجی آمریکا؛ نظریه‌های نقش جهانی آمریکا*، ترجمه داود غرایاق زند، محمود یزدان‌فام و نادر پوراخوندی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. آدمی، علی و آیینه‌وند، حسن. (۱۳۹۷)، «چگونگی تقابل روسیه و چین با آمریکا در اوراسیا»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۲، پاییز.

۸. آنکیت، پاندا، (۱۴۰۰/۱۰/۰۵). «آمریکا و چین: آینده رقابت میان ابرقدرت‌ها»، دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2008629/>.

۹. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره نهم، شماره ۳۳، بهار.

۱۰. احمدیان، قدرت و کهریزی، ندا، (۱۳۹۸). «اقتصاد سیاسی ترامپیستی و تاثیر آن بر اقتصاد تجاری چین و آسیا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۳، شماره سوم، پاییز.

۱۱. اسلامی، محسن و عباسی، سعید، (۱۳۹۹). *تأثیر تهدید آمریکا بر همگرایی سه کشور ایران، چین و روسیه (۲۰۲۰-۲۰۱۶)*، پایان نامه، کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

۱۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۷۷). «امنیت ملی؛ رهیافت‌ها و آثار»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره اول، شماره دوم، تابستان.

۱۳. امام جمعه‌زاده، جواد و میرکوشش، امیرهوشنگ، (۱۳۹۲). «آینده روابط آمریکا و چین: همکاری؛ رقابت»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره اول، شماره نهم، پاییز.

۱۴. امیری، مهدی، (۱۳۹۴). همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه نظامی و دفاعی؛ ترسیم چشم‌انداز پیش رو، در حسین عسگریان، *چشم‌انداز روابط ایران و روسیه*، تهران: نشر ابرار معاصر.

۱۵. ایزدی، جهانبخش و مطهری، مصطفی، (۱۳۹۴). «اتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، دوره هشتم، شماره ۳۱، پاییز.

۱۶. ترین، دیمیتری، (۱۳۹۹). «چشم‌انداز روابط آمریکا و روسیه در دوران بایدن: ادامه رویارویی در دوره بایدن»، دسترسی در:

<https://www.irna.ir/news/84103512/>.

۱۷. تقی‌زاده، محمد، (۱۳۹۵). «چالش بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیای و هژمونی مالی اقتصادی آمریکا»، *فصلنامه سیاست جهانی*، شماره دوم، تابستان.
۱۸. جوزانی کهن، شایان و همکاران، (۱۳۹۸). «تاثیر ابتکار کمربند - راه بر آینده شراکت چین و روسیه در آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۴۵.
۱۹. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و سادات‌الوند، مرضیه، (۱۳۸۷). «ایران و سازمان همکاری شانگهای: هژمونی و ضد‌هژمونی»، *فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال سوم، شماره دوم، بهار.
۲۰. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۹/۳/۳۰). «دیدگاه پوتین درباره فعالیت شورای امنیت و نقش سازمان ملل در جهان»، دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/03/30/2289038>
۲۱. دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۹۵)، *اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۱*، تهران: انتشارات سمت.
۲۲. رضایی، مسعود و وثوقی، سعید، (۱۳۹۵). «ابعاد و محدودیت‌های روابط نظامی ایران و چین پس از برجام»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۴۵، بهار.
۲۳. روحی‌دهبانه، مجید، (۱۴۰۰). «تبیین نظری و عملی چشم‌انداز روسیه از نظم بین‌المللی در دوره پوتین»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره ۱۱، شماره ۴۱.
۲۴. زارعی، غفار و عباسی، اسماعیل، (۱۳۹۷). «اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چشم‌انداز روسی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۴، زمستان.
۲۵. زکی‌زاده، میثم و دیگران، (۱۳۹۹). «همسوئی امنیتی چین و روسیه در رویارویی با تهدیدات ایالات متحده»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره سوم.
۲۶. زهره‌وند، ابوالفضل، (۱۴۰۱). «بریکس؛ خنثی‌کننده تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران»، دسترسی در: <https://www.imna.ir/news/584124/>
۲۷. سازمان حفاظت محیط زیست، (۱۳۹۱). «یادداشت تفاهم همکاری‌های آموزشی و پژوهشی زیست محیطی میان دانشگاه محیط زیست ایران و آکادمی فدراسیون روسیه امضا شد»، دسترسی در:

<https://www.doe.ir/portal/home/?news/168127/168146/163770/>.

۲۸. سازین، ولادیمیر، (۲۰۲۲). «ایران و چین؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، دسترسی در:

<https://ir.sputniknews.com/20220507/>.

۲۹. سایت زیست‌بوم، (۱۳۹۱/۰۲/۱۸). «سند همکاری زیست محیطی بین ایران و چین

امضاء شد»، دسترسی در:

<http://zistboom.ir/fa/news/1371/>.

۳۰. صادقی، احسان، (۱۳۹۷). «چشم‌انداز جنگ تجاری میان آمریکا و چین»، دسترسی

در:

<http://www.tisri.org/default-2958.aspx>.

۳۱. صفری، فرزانه و همکاران، (۱۳۹۹). «ایران و محور چین- روسیه در آسیای مرکزی»،

*فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۹.

۳۲. صفری، عسگر و رادگودرزی، معصومه، (۱۴۰۰). «همکاری‌های چین و روسیه؛

تحلیلی از منظر تئوری انتقال قدرت»، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۵۰، تابستان.

۳۳. علیخانی، مهدی، (۱۳۹۹). «بررسی راهبرد فشار حداکثری ترامپ بر ایران از منظر

قدرت اجبار»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۷، شماره اول، تابستان

۳۴. عسگریان، حسین، (۱۳۹۷). «آمریکا و ابتکار یک کمربند، یک جاده»، دسترسی در

لینک زیر:

<http://www.tisri.org/default-2605.aspx>.

۳۵. قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۲). «بنیادهای امنیتی سیاست خارجی چین»، فصلنامه مطالعات

راهبردی، سال ۱۶، شماره دوم، تابستان.

۳۶. فاطمی‌نژاد، احمد و همکاران، (۱۳۹۴). «سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور نسبت

به آمریکا؛ همراهی یا موازنه‌گری مطالعه موردی: بریکس»، *فصلنامه تحقیقات*

*سیاسی بین‌المللی*، شماره ۲۳، تابستان.

۳۷. کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی

در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۳، شماره دوم، تابستان.

۳۸. کورتونوف، آندری، (۱۳۹۹). «فرو ریختن روابط در دوره ترامپ و سخت‌تر شدن

روابط در حکومت بایدن»، دسترسی در:

<https://www.irna.ir/news/84103512> .

۳۹. کوزه گر کالجی، ولی، (۱۳۹۴). «عرصه‌های همکاری ایران و روسیه در چارچوب نگرانی‌های مشترک در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، در حسین عسگریان، *چشم‌انداز روابط ایران و روسیه*، تهران: نشر ابرار معاصر.

۴۰. لطیفی، روح‌الله، (۱۴۰۰/۱۲/۱۶). «رشد ۳۸ درصدی تجارت خارجی در ۱۱ ماهه امسال»، دسترسی در:

<https://www.irna.ir/news/84674085/> .

۴۱. مرادی کلارده، سجاد و هدایتی شهیدانی، مهدی، (۱۳۹۶). «راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی‌ها و اهداف»، *فصلنامه روابط خارجی*، دوره نهم، شماره سوم، پاییز

۴۲. مولوی‌نیا، هادی، (۱۳۹۵/۳/۱۷). «آرایش ضدناتو در دستور کار ارتش روسیه قرار گرفت»، دسترسی در:

<https://www.hamshahrionline.ir/news/336129/>.

۴۳. نادمی، یونس و حسنوند، داریوش، (۱۳۹۸). «شدت تحریم‌ها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم‌ها از منظر حقوق بشر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره نهم، شماره ۳۱، شهریور.

۴۴. نوری، علیرضا، (۱۳۸۷). «ارتقاء جایگاه روسیه در عرصه جهانی و تنش با آمریکا در دوره پوتین»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۱، بهار.

۴۵. هدایتی شهیدانی، مهدی، (۱۳۹۷). «تعارضات روسیه و آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ و رویکرد رسانه‌ای به آن»، *پژوهشنامه رسانه بین الملل*، سال سوم، شماره سوم، پاییز.

۴۶. یزدان‌فام، محمود، (۱۳۸۶). «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین المللی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۸.

47. Akrasanee, N Mark, Alexandre & Jones, Bruce (2021). the new geopolitics of fragility Russia, China and the mounting challenge for peace building, *Foreign Policy*, October.

48. SIPRI, (2021). *Trends in world military expenditure 2020*, spire fact sheet, April.

49. Ross, Robert S, (2013). US Grand Strategy, the Rise of China, and US National Security Strategy for East Asia, *Strategic Studies Quarterly*, Vol. 7, No 2.